از جنگ و اشغال تا تحریم و کودتا؛ روش‌هایی که برای تغییر نظام‌ها در آمریکای لاتین استفاده شده است

سناریو هالیوودی در کارائیب

مجتبی خاتونی | در عصری که شخصی مانند ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به عنوان مدعی یکه‌تازی و ابرقدرتی در مقیاسی جهانی است، کمتر موضوعی برای شگفت‌زده شدن وجود خواهد داشت؛ حتی خبر تلاش نافرجام سرویس جاسوسی آمریکا برای ربایش رئیس جمهور ونزوئلا هم چندان موجب تعجب رسانه‌ها و افکار عمومی جهان نشده و احتمالاً با یک زمزمه ذهنی و بین‌الاذهانی نظیر «ترامپ است دیگر» یا «آمریکا همیشه آمریکاست» غائله خاتمه خواهد یافت.

اما همین زمزمه ذهنی، شاید مهم‌ترین قسمت این ماجرا باشد؛ آنجا که مردم جهان، افکار عمومی و رسانه‌های مستقل، بارها و بارها به خاطر دارند بسیار دولت‌های منتخب و ملی، بسیار سیاستمداران محبوب و مردمی، بسیار سرزمین‌های غنی و راهبردی، در فرایند یک دستورکار ثابت آمریکایی، از هستی ساقط شده و به تاریخ پیوسته‌اند؛ از شبه‌جزیره کره تا بالکان، از کارائیب تا شاخ آفریقا، از مصدق تا مادورو!

دستورکاری که صریح است و عمل‌گرایانه. هر گرایش، جنبش، حزب یا شخصیتی که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، کسب، حفظ و توسعه منافع و علایق آمریکایی در سراسر گیتی را به چالش می‌کشد، به هر روشی که شده، باید از میان برداشته شود. از این‌رو، هر صدای مخالف یا دست‌کم منتقدی از ایالات متحده که در هرگوشه از جهان شنیده می‌شود، صرفاً به این خاطر است که به هر دلیلی، آمریکا موفق به خفه‌کردن آن نشده است.

ماهیت تمامیت‌خواهانه و استکباری آمریکا به‌وضوح در محیط پیرامونی‌اش با شدت و جدیت بیشتری در جریان است. سال‌های سال است که دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقلی مانند کوبا، ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه، تا حدی برزیل و به‌تازگی کلمبیا، در بازی ژئوپلیتیکی بزرگی که در یک سو چین و روسیه و در سوی دیگر آمریکا آن را برگزار می‌کنند، مغضوب سردمداران واشنگتن بوده و پس از ده‌ها سال تهدید، تحریم، محاصره و مناقشه، امروز کار به جاهای باریک کشیده و حیاط خلوت یانکی‌ها شلوغ و اسباب خشم آنان فراهم شده است.

ترامپ عاشق نمایش است و چه نمایشی جذاب‌تر از این سناریو که هواپیمای نیکولاس مادورو، مثلاً به جای هاوانا (پایتخت کوبا) در واشنگتن فرود می‌آید و رئیس جمهور یاغی و سرکرده نافرمانی در نیم‌کره غربی، توسط مأموران «خوش قد و قامت آمریکایی» با دستبند، پابند و شاید با چشمان بسته، از پله‌های هواپیما پایین بیاید و فاکس‌نیوز در مصاحبه با ترامپ، از دست‌نشانده امپراتوری در مستعمره جدیدش رونمایی کند!

همه‌چیز بی‌نقص به‌نظر می‌رسد، غیر از اینکه هنوز به واقعیت تبدیل نشده است. بر پایه گزارش‌هایی که روز چهارشنبه منتشر شد، یکی از مأموران فدرال آمریکا پیشنهادی جسورانه به خلبان اصلی مادورو داده تا او را وسوسه کند و علیه او دست به خیانت بزند. طبق این پیشنهاد، خلبان باید به‌طور مخفیانه مسیر هواپیمای رئیس‌جمهوری ونزوئلا را تغییر می‌داد تا نیروهای آمریکایی بتوانند مادورو را بازداشت کنند. بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، آن مأمور آمریکایی در یک دیدار محرمانه به خلبان گفته بود اگر همکاری کند، به مردی بسیار ثروتمند تبدیل خواهد شد. در این گزارش ادعا شده فضای گفت‌وگو پرتنش بود و خلبان بدون آنکه قولی بدهد، جلسه را ترک کرد. با این حال، او شماره تلفن همراه خود را در اختیار این مأمور که «ادوین لوپز» نام داشت، قرار داد؛ اقدامی که می‌توانست نشانه‌ای از تمایل احتمالی او به همکاری با دولت آمریکا باشد.

هر چند فرضیه صرفاً تخیلی و «خالی‌بندی» بودن این داستان، منتفی نیست اما تغییری در اصل موضوع ایجاد نمی‌کند. این سناریو یا یک حمله تمام عیار! اگر این اطمینان برای طرف آمریکایی حاصل شود که سرنگونی دولت مادورو با حمله نظامی یا حتی اشغال، ترور گوستاوو پدرو، رئیس‌جمهور انقلابی کلمبیا یا بمباران گسترده کوبا، در سوی دیگر اقیانوس آرام به الحاق دوباره تایوان به سرزمین اصلی (چین)، سرنگونی دولت‌های غرب‌گرا در فیلیپین و ... منجر نمی‌شود، ثانیه‌ای تعلل نخواهد کرد. از این‌رو، چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، فارغ از اهمیت و حساسیت همیشگی جنوب‌غرب آسیا و شمال آفریقا به‌عنوان کانون‌های سنتی تنش و چالش، باید دوربین‌ها روی دریای چین جنوبی، جنوب‌شرق آسیا، تنگه مالاکا؛ تایپه، هنگ‌کنگ و مانیل در یک سو و کارائیب، آمریکای مرکزی و لاتین؛ هاوانا، کاراکاس و بوگوتا در سوی دیگر متمرکز شوند.

دریچه

جریان‌های همسو با روسیه روز به روز قدرت بیشتری در قاره سبز می‌گیرند

اروپا و اپوزیسیونی که با بیرون مرزها ارتباط دارد

سرویس‌های اطلاعاتی آلمان می‌گویند روسیه در تلاش است در این کشور آشوب، تفرقه و احساس ناامنی ایجاد کند. به گزارش یورونیوز، حدود یک ماه پس از عملیات طوفان‌الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که بیش از هزار و ۲۰۰ کشته برجا گذاشت، ستاره‌های آبی داوود روی دیوارهای پاریس نقش بست. در ابتدا تصور می‌شد این نشانه‌ها اقدامی یهودستیزانه هستند، اما بعدتر مشخص شد آن‌ها بخشی از کارزار جنگ روانی روسیه به حساب می‌آیند. دو زوج مولداویایی در ازای دریافت مبلغی اندک، طبق دستور فردی ناشناس در خارج از فرانسه این نمادها را با اسپری روی دیوارها کشیده بودند. هدف، ایجاد سردرگمی و بی‌اعتمادی عمومی بود نه تبلیغ مستقیم نفرت.

در آلمان نیز سرویس‌های اطلاعاتی هشدار داده‌اند روسیه با جذب افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی، به دنبال اجرای عملیات خراب‌کاری و جاسوسی در مقیاس کوچک است. این افراد که با پرداخت مبالغ ناچیز استخدام می‌شوند، مأمور عکاسی از زیرساخت‌های حساس، آتش‌سوزی عمدی یا نوشتن شعارهای خاص هستند.

به گفته دیت مار پیچلر، تحلیلگر ارشد حوزه اطلاعات نادرست، «بسیاری از آن‌ها از پیش رادیکال شده‌اند یا در گروه‌های افراطی مجازی فعالیت می‌کنند. روسیه کافی است فقط یکی را پیدا کند که پست‌های طرفدار پوتین را لایک می‌کند؛ از همان جا روند جذب شروع می‌شود».

■ حمایت از همه افراط‌ها، صرفاً برای بی‌ثباتی

به گفته هانس یاکوب شیندلر، رئیس پروژه مقابله با افراط‌گرایی در آلمان، برای کرملین تفاوتی ندارد که هدف از جناح راست باشد یا چپ یا اسلام‌گرا؛ مهم میزان آشوبی است که می‌تواند ایجاد کند.

این سیاست بخشی از جنگ ترکیبی روسیه است؛ جنگی که هدف آن نه تخریب مستقیم، بلکه تضعیف انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی در غرب است. سینان سلن، رئیس سازمان اطلاعات داخلی آلمان می‌گوید فعالیت روسیه فقط افراد یا احزاب خاصی را هدف نمی‌گیرد، اما نفوذش «در حاشیه‌های سیاسی، چپ و راست، بسیار پررنگ‌تر است». یوهانس کیس، پژوهشگر حوزه افراط‌گرایی توضیح می‌دهد بسیاری از گروه‌های افراطی در آلمان پیوندهای ایدئولوژیک با روسیه دارند.

او می‌گوید: «گرچه جریان‌های نئونازی سنتی هنوز مواضع ضداسلامی دارند، اما جریان راست جدید در دهه‌های اخیر از نظریه نژادی فاصله گرفته و به سمت ایده قوم‌گرایی فرهنگی (اتنوپلورالیسم) رفته است. روسیه نیز توانسته در این فضا نفوذ پیدا کند».

در این دیدگاه، هر قوم یا فرهنگ باید «سرزمین و هویت خاص خود» را حفظ کند و از اختلاط با دیگران بپرهیزد. مفهومی که مسکو با شعار دفاع از «هویت ملی» و «ارزش‌های سنتی» آن را تقویت می‌کند.

در پژوهش‌های انجام‌شده، ردپای ارتباط با روسیه در میان احزاب افراطی از جمله در حزب «ساکسون‌های آزاد» دیده شده است. آقای کیس در این خصوص بیان می‌کند: «رهبر این حزب سال‌ها در روسیه زندگی کرده، رفت‌وآمد داشته و حتی به‌عنوان وکیل شرکت‌های روسی در آلمان فعالیت می‌کرده است. هیچ مدرکی از دریافت مستقیم پول از کرملین نیست، اما شبکه و همسویی فکری کاملاً مشهود است».

لوبادآور می‌شود از سال ۲۰۱۵، همزمان با بحران پناهجویان، حساب‌های کاربری جعلی روسی در آلمان برای تحریک احساسات ضدپناه‌جویی و ضدغربی فعال بودند. امری که نشان از استمرار استراتژی نفوذ دیجیتال روسیه داشت.

■ رسانه‌های «چپ‌نما» با سرمایه روسی

نمونه‌ای از جنگ اطلاعاتی روسیه، رسانه‌ای به نام «ردفیش» بود که در ظاهر یک پلتفرم خبری چپ‌گرای مردمی معرفی می‌شد، اما براساس تحقیقات پایگاه وایس در سال ۲۰۲۲، زیرمجموعه‌ای از شرکت دولتی روسی روپتلی به حساب می‌آمد. ردفیش با بهره‌گیری از موضوعاتی چون استعمار و نژادپرستی، روایت‌های طرفدار کرملین را در لفافه‌ای قابل قبول برای مخاطبان چپ عرضه می‌کرد.

پس از بسته شدن این رسانه، نسخه‌ای تازه با نام «رد» توسط شرکتی ترکی به نام «آفا مدیا» ایجاد شد که بنیان‌گذارش، حسین دوغرو، به‌دلیل ارتباط با روسیه در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار دارد. وزارت خارجه آلمان تأیید کرده «رد» نیز بخشی از کارزار جدید روسیه برای تفرقه‌افکنی در جامعه آلمان بوده است.

■ چپ و راست در یک نقطه تلاقی

به گفته آقای کیس، بخشی از جریان چپ افراطی هنوز ردپای ایدئولوژی ضدیهودی برگرفته از استالینیسم دهه ۱۹۵۰ را حفظ کرده است.

او در این خصوص اظهار می‌کند: «چه در راست افراطی و چه در چپ افراطی، ذهنیت ضدنخبگی و مردم‌محور مشترک است؛ تفکری که از نظر ساختاری با یهودستیزی خویشاوند محسوب می‌شود».

ترکیب این دو قطب، زمینه‌ای مساعد برای تبلیغات کرملین فراهم کرده است. راهبردی که با مجموعه‌ای از تحریکات کوچک اما مداوم، ثبات غرب را به چالش می‌کشد.

کارشناسان می‌گویند این نوع جنگ ترکیبی را می‌توان «تروریسم نرم» دانست، روشی که از نظر روانی و رسانه‌ای، به تاکتیک‌های گروه‌هایی چون داعش شباهت دارد.

یادداشت

میراحمدرضا مشرف

طالبان و تله مذاکرات سیاسی با پاکستان

سرانجام پس از چند روز مذاکره فشرده و بلاتکلیفی و ابهام در مورد سرنوشت مذاکرات استانبول میان طالبان و پاکستان، دولت اسلام‌آباد رسماً شکست دور دوم گفت‌وگوها با کابل را اعلام کرد.

اما در مورد علت بن‌بست در مذاکرات، هر دو طرف روایت‌های کاملاً متفاوتی را عرضه می‌کنند؛ منابع طالبان از ناهماهنگی و مواضع نامشخص هیئت پاکستانی، تأثیرپذیری آن از حلقه‌های خاص نظامی و عقب‌نشینی چند باره از مذاکره خبر می‌دهند، در شرایطی که پاکستانی‌ها به دلایلی همچون اختلافات میان جناح‌های داخلی طالبان و ارائه سه دستور کار متفاوت از سوی کابل، قندهار و خوست و به همراه آن، نفوذ هند در تصمیمات طالبان اشاره دارند.

اما بر اساس آنچه از سوی برخی منابع مستقل مورد تأیید قرار گرفته است، بی‌اعتمادی عمیق دو طرف به یکدیگر و از آن مهم‌تر، اختلاف بر سر درخواست اسلام‌آباد از طالبان برای اقدام‌های قابل راستی‌آزمایی علیه تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) را باید عامل اصلی به بن‌بست رسیدن مذاکرات استانبول ارزیابی کرد.

اگر چه بسیاری پیش‌بینی می‌کنند دور سوم مذاکرات میان دو طرف به‌زودی از سر گرفته خواهد شد، اما از شرایط پیش رو و موقعیت دو طرف در مذاکرات می‌توان به چند نکته اساسی پی برد.

۱- مذاکرات دوم به‌شدت تحت تأثیر دور اول گفت‌وگوها و توافق سریع میان دو طرف بر سر آتش‌بس فوری قرار داشت. دستور کار پاکستان تقریباً بر همان موارد ذکر شده در توافق پیشین یعنی خودداری طالبان از هرگونه حمایت از گروه‌های فعال علیه پاکستان و ایجاد سازوکاری برای راستی‌آزمایی اقدام‌های طالبان در تقابل با این گروه‌ها و به‌ویژه تی‌تی‌پی تأکید داشت.

در مقابل به نظر می‌رسید طالبان در دور دوم در تله برخی اشتباه‌ها و یا درواقع ناپختگی‌های سیاسی دور اول گفت‌وگوها گرفتار آمده و به دنبال راه گریزی از آن بودند.

۲- باز هم ردپای چالش عمیق خط مرزی دیورند را در این مذاکرات می‌توان مشاهده کرد. در واقع این مسئله مهمی است که در شرایطی که طالبان خطوط مرزی مشترک میان دو کشور را به رسمیت نمی‌شناسند، چگونه می‌توان به توافقی برای خاتمه درگیری‌های مرزی و برقراری سازوکاری مشخص برای کنترل و نظارت بر مرزها دست یافت. حساسیت طالبان به این موضوع تا آنجاست که پس از پایان گفت‌وگوهای دور اول در دوحه، حذف کلمه مرزها از متن توافق اعلام شده از جانب قطر را خواستار شدند. در عین حال این مسئله با ادعای طالبان در مورد جلوگیری از فعالیت مخالفان کشورها در داخل خاک افغانستان هم تزاحم پیدا می‌کند؛ در حالی که مرزی میان پاکستان و افغانستان به رسمیت شناخته نمی‌شود، باید با چه ساختار و یا قواعدی محدوده سرزمینی افغانستان را مشخص کرد؟ بر این اساس آیا طالبان نمی‌توانند ادعا کنند فعالیت‌ها در آن سوی مرز دیورند در محدوده قلمرو افغانستان انجام می‌گیرد؟

۳- اما از جنبه‌ای دیگر، حتی اگر طالبان صادقانه تصمیم بر مهار تی‌تی‌پی و ممنوعیت حضور و فعالیت این گروه در خاک افغانستان بگیرد، باید دید آیا از ظرفیت و ابزارهای اقدام عملی در این جهت برخوردار هستند؟ حاکمیت فعلی کابل چه به لحاظ ایدئولوژیکی و چه به لحاظ عناصر قومیتی و زبانی با تحریک طالبان پاکستان قرابت‌های نزدیکی دارد و بعید به نظر می‌رسد با یک فرمان اجرایی و یا حکم رهبری بتوان بر این قرابت‌ها خط بطلان کشید؛ کما اینکه چنین اقدامی حتی در مورد القاعده، با تمامی وجوه تمایز آن با تی‌تی‌پی بسیار دشوار بوده است.

در نهایت به نظر می‌رسد طالبان ناخواسته و شاید ندانسته خود را در دام برخی قواعد و تعهدات مذاکره گرفتار کرده و پاکستان با شناخت و بهره‌گیری دقیق از نقاط ضعف آن‌ها، به‌خوبی می‌تواند جو بین‌المللی را به سود خود تغییر دهد.

فراخوان مناقصه

دانشگاه علوم پزشکی مشهد در نظر دارد

بخشی از تجهیزات شبکه و اتاق سرور مورد نیاز شبکه بهداشت و درمان گلبهار را از طریق انجام مناقصه عمومی یک مرحله ای به متقاضیان واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید. کلیه اطلاعات برگزاری مناقصه به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۰۰۶۰۰۰۰۰۷۶ اعم از شرایط ، مهلت شرکت در فراخوان، اسناد و مدارک مناقصه، زمان و مکان بازگشایی پیشنهادها، در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی WWW.SETADIRAN.IR بارگذاری گردیده است. قابل ذکر است :

مبلغ پایه ۳۳،۱۳۰،۸۰۰،۰۰۰ ریال می باشد .

تضمین شرکت در مناقصه ۱،۶۵۶،۵۴۰،۰۰۰ ریال می باشد.

کلیه پیشنهادهای رسیده حداکثر ده روز پس از پایان مهلت ارسال مدارک باز و قرائت خواهد گردید.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

آگهی تجدید مناقصه خدمات راهبری ناوگان حمل و نقل عمومی

شهرداری تربت حیدریه درنظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی نسبت به انجام خدمات راهبری ناوگان سازمان مدیریت حمل و نقل در خطوط به صورت حجمی (ساعتی) اقدام نماید.

مبلغ پایه مناقصه ۵۵/۳۰۶/۶۷۷/۹۴۲ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲/۷۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر دریافت اسناد وشرکت در مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.Setadiran.ir مراجعه نمائید.

وحید فرخ تبار – شهردار تربت حیدریه

دعوت از بستانکاران

شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان خلیل آباد (در حال تصفیه)

به شماره ثبت ۱۰۴۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۱۳۹۰

بدینوسیله از کلیه اشخاص حقیقی و یا حقوقی که هرگونه ادعایی نسبت به شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان خلیل آباد (در حال تصفیه) به شماره ثبت ۱۰۴۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۱۳۹۰ که در حال تصفیه می‌باشد در اجرای ماده ۲۲۵ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت دعوت می‌شود با در دست داشتن اصل اسناد و مدارک در ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به نشانی خراسان رضوی ،خلیل آباد، بخش مرکزی، میدان طالقانی، خیابان شهید حیدری، شهید حیدری ۴ پلاک ۵۸ طبقه اول (اداره آموزش و پرورش شهرستان خلیل آباد) با کدپستی ۹۶۷۱۹۴۴۸۸۷ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت در مقابل هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مهلت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت.

هیئت تصفیه شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان خلیل آباد(درحال تصفیه)

پذیرش ۳۷۰۸۸ آگهی